

خانواده‌وسینما

آیین‌ه‌جادوی به‌نام «سینما»

سارا مؤمنی
دانشجوی دکتری مدیریت رسانه



«آرزوی من کردیم سینما آنقدر جا داشته باشد تا همه‌مان را یکجا ببلعد تا لااقل جایمان گرم باشد... حوالی ساعت ۳ صبح، دوباره صف به حرکت درآمد و وارد سالن سینما شدیم.» داشتیم نشریه فجرنامه چهل‌دومین جشنواره فیلم فجر را ورق می‌زدیم و می‌خواندیم که به این نوشته‌ها رسیدیم؛ این جملات بخش‌هایی از خاطرات دوران نوجوانی یکی از روزنامه‌نگاران درباره سینما و فیلم «آژانس شیشه‌ای» بود؛ که چطور با دوستانش شور و شوق داشتند و همراه پدر راهی سینما شدند و چقدر در صف ماندند تا بالاخره فیلم را در سالن سینما تماشا کردند.

به نظرم رسید که آن روزها سینما به‌عنوان یک تفریح درست و حسابی چقدر جایگاه خوبی در میان خانواده‌ها داشت. در ادامه به نظرم آمد که این روزها چه اتفاقی برای سینما افتاده که حتی ۵ بلیت هم برای یک سانس فروخته نمی‌شود. چند هفته پیش می‌خواستیم برای یکی از فیلم‌ها بلیت بگیریم و چون به حد نصاب نرسید، مجبور شدیم بلیت را لغو کنیم و به سالن سینما دیگری برویم، آنجا بلیت‌های فروخته شده به حد نصاب رسید؛ اما چند نفر در سالن بودیم؟ فقط پنج نفر! این اتفاق خوبی نیست. نه برای سینما، نه برای جوان، نه برای خانواده. نه حتی برای سبک زندگی تک‌تک ما.

شاید یکی از دلایلی که باعث شده ما و خانواده‌مان رغبت کمتری به سینما رفتن داشته باشیم، تغییراتی باشد که در مصرف

رسانه‌ها پیدا کردیم. مثلاً همان‌طور که نمایش خانگی به نحوی جایگزین تلویزیون شده و صفحه‌های اینترنتی مطبوعات جایگزین خود روزنامه‌ها و مجلات و نشریات شده، اپلیکیشن‌های پخش فیلم و پخش زنده هم جایگزین سینما شده‌اند؛ اما قصه اینجاست که سینما با رسانه‌های جدید و قدیم دیگر تفاوت دارد. تماس تصویری آنلاین روزهای کرونا با خانواده و اقوام را به خاطر بیاورید و حس خلاء، بغض و دل‌تنگی که با آن تماس برطرف نمی‌شود. سینما چیزی شبیه همین است و جایگزینی ندارد. سینما یک «جهان سرگرمی جمعی» با یک موقعیت مکانی و زمانی است که ویژگی‌های خاصی دارد. از سالن تاریک و پرده بزرگ گرفته تا خوراکی‌ها و تماشاچیان که جلو و کنار و پشت سر ما می‌نشینند و همراه ما واکنش‌های مختلفی به بخش‌های مختلف یک فیلم دارند تا اتمام فیلم و خروج جمعی از سالن سینما و حرف‌هایی که درباره فیلم می‌زنیم و می‌شنویم. مفهوم «سرگرمی جمعی» چیزی است که سینما خلق می‌کند. به تبع آن اعضای خانواده‌ها با یک حس خوب جمعی و در کنار هم این تفریح را انتخاب می‌کنند.

نسبت سینما با خانواده، گذشته و اکنون فکر می‌کنم علت اصلی تر کم شدن رغبت خانواده‌ها به سینما رفتن، مربوط به خود سینما نباشد، بلکه به فیلم‌هایی که تولید و اکران می‌شود مرتبط باشد. مثلاً در دهه‌های قبل، خانواده‌ها به بهانه فیلم‌های کمدی، به سینما می‌رفتند و از دیدن فیلم لذت می‌بردند؛ اما در سال‌های اخیر، تعداد فیلم‌هایی که بشود با همسر و بچه و مادر و پدر در سینما دید، کم شده است. فیلم‌های کمدی اغلب لبریز از کنایه‌های بی‌محتوا شده و موضوع و قصه جذابی ندارد. فیلم‌های اجتماعی هم مناسب سن

کودک نیست و اغلب با سیاه‌نمایی، تفریح و اوقات فراغت سینما را برای خانواده به ناامیدی و کسالت تبدیل می‌کند. حتی انیمیشن‌هایی هم که تولید و اکران می‌شود، نه برای بزرگسال جذاب است و نه مناسب کودک یا نوجوان است. انیمیشن‌ها اغلب با یک شخصیت کودک شروع می‌شوند، اما جهان قصه و خود قصه تعلق به جهان کودک ندارد. صرفاً تصویرسازی موقعیت‌های واقعی و بزرگسال است که بواسطه خلق تصویر فانتزی تلاش شده آن را به جهان کودکان گره بزنند. کمبود ایده‌های خلاقانه و خیال‌انگیز به همراه کم‌توجهی به طرح محتوا مناسب مخاطب هدف که کودک یا نوجوان است، باعث شده انیمیشن‌ها در تکنیک جلوتر از محتوا باشند.

علاوه بر این‌ها، موضوع‌های پرداخته شده به فیلم‌ها محدود شده و خیلی با دغدغه‌های خانواده‌ها ارتباط ندارد. مسائل نوجوانان، زوجین، اقتصاد خانواده، روابط والد و فرزند، رشد و پیشرفت خانواده، آگاهی تاریخی و حتی فیلم‌های تخیلی از جمله مواردی هستند که جایشان در سینما پر نشده یا اگر در فیلم‌ها به این موضوع‌ها پرداخته شده، رویکرد مناسبی نبوده و بیش از اینکه امیدبخش، فراغتی و جذاب باشد، تاریک و ناامیدکننده بوده است.

سینما و خانواده: آیین‌های روبه‌روی هم

نظری درباره سینما وجود دارد؛ همان‌طور که سینما آیین‌ه خانواده است، خانواده هم آیین‌ه سینماست و هر دو یکدیگر را در هم می‌بینند. به این معنا که در کنار عوامل دیگر، سینما نیز روی تغییرات جامعه اثرگذار است. برای این حرف می‌توانم دوره‌ای را مثال بزنم که کم و بیش در بیشتر فیلم‌های سینمایی به مسأله مهاجرت اشاره شد و پس از آن دوره میزان افزایش مهاجرت را دیدیم. یا دوره‌ای که بیشتر فیلم‌ها درباره ازدواج و مراسم عروسی بود و در آن دوره افزایش ازدواج جوانان را دیدیم. در دوره‌ای هم تعداد بازیگران افغانستانی در

فیلم‌های سینمایی ایرانی و ازدواج آنها با بازیگران ایرانی افزایش یافت و باعث تغییر نگاه عموم به قوم افغان و افزایش جمعیت آنها در کشور شد. فکر می‌کنم با وجود تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، رغبت خانواده‌ها به سینما بیشتر از قبل است، اما فقط محتوا و مضمون مدنظرشان را در سینما و فیلم‌های اکران شده نمی‌یابند. سینما به افزایش تعداد فیلم‌هایی که خانواده‌ها بپسندند و اثرپذیری مثبت از آن داشته باشند، نیاز دارد.

سینما آیین‌ه جادویی است

اگرچه سینما آیین‌ه جامعه و خانواده است، اما یک آیین‌ه جادویی است. یعنی در کنار نمایش جامعه و خانواده، می‌تواند خلق تصویری بهتر یا بدتر از واقعیت داشته باشد. در واقع یک رسانه است که در کنار آیین‌ه بودن و آگاهی بخشی، قدرت تغییر و اصلاح جامعه را دارد. مثلاً فیلمی که جزئیات و احوال یک زن خانه‌دار را به مخاطب نشان می‌دهد، با یک نگاه عمیق به این قشر جامعه، به دنبال مسأله و حل مسائل آن‌هاست. یا فیلمی که درباره قتل و قصاص است، مسأله حق و بخشش را که امری متعالی در زندگی انسانی است، نشان می‌دهد. خانواده‌ها نیز از یک سرگرمی تصویری که نسبتی با واقعیت ندارد، اما درباره واقعیت است و نگاه امیدبخش و زیبایی دارد، ارتباط خوبی برقرار می‌کنند.

البته این مسأله نباید به آن معنا باشد که اگر فیلمی پر فروش بود و افراد زیادی به تماشای آن در سینما نشستند، پس حتماً یک فیلم خوب است. چرا که عوامل مختلفی مانند تبلیغات، محدود بودن تعداد فیلم‌های باکیفیت روی پرده و محدود بودن تفریحات خانوادگی، باعث می‌شود که خانواده‌ها بلیت بخرند و به دیدن آن فیلم بروند.

به امید روزهایی که سینما و فیلم در سبک فرهنگی هفتگی هر خانواده باشد و فیلمساز و هنرمند با دغدغه‌ها و مسائل خانواده‌ها دست به دوربین و قلم شود.



شاید یکی از دلایلی که باعث شده ما و خانواده‌مان رغبت کمتری به سینما رفتن داشته باشیم، تغییراتی باشد که در مصرف رسانه‌ها پیدا کردیم

در سال‌های اخیر، تعداد فیلم‌هایی که بشود با همسر و بچه و مادر و پدر در سینما دید، کم شده است. فیلم‌های کمدی اغلب لبریز از کنایه‌های بی‌محتوا شده و موضوع و قصه جذابی ندارد

